

به نام خدا

اظهار نظر کارشناسی درباره:

«طرح اصلاح ماده (۱۷۳) قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب»

مقدمه

مرور زمان در امور کیفری اصطلاحاً عبارت است از انقضای مواعد مقرر در قانون پس از وقوع یک جرم یا تعقیب آن یا صدور حکم قطعی درباره آن به نحوی که با انقضای مواعد مذکور جرم واقع شده دیگر قابل تعقیب و رسیدگی نیست و چنانچه حکم قطعی درباره آن صادر شده باشد حکم صادر شده قابل اجرا نخواهد بود. مرور زمان به عنوان یکی از جهات سقوط دعاوی کیفری از لحاظ نظری موافقان و مخالفانی دارد. با این حال این نهاد جزایی به عنوان یکی از جهات موقوفی تعقیب سال‌هاست که در نظام جزایی کشور ما مقبول واقع شده است. قانون مجازات عمومی سابق در ماده (۴۹) به صراحت اعلام می‌کرد که: «مرور زمان تعقیب جرم را موقوف می‌کند...». وجود مقررات راجع به مرور زمان در نظام قانونی کشور و استقبال مراجع قضایی از آن و آثار و فوایدی که برای آن بر شمرده می‌شد سبب شده بود تا در میان صاحب نظران حقوق کیفری کسی نظراً با آن اظهار مخالفت کند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و فقهی شدن نظام جزایی کشور با عنایت به فقدان سابقه مرور زمان در منابع فقهی این نهاد جزایی عملاً متروک و از شمار اسباب و جهات توقف یا عدم استماع دعاوی کیفری حذف شد. در سال ۱۳۷۸ در ماده (۶) قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مجدداً از جهات موقوفی تعقیب به شمار آمد و در ماده (۱۷۳) در خصوص جرائم مستوجب مجازات بازدارنده یا اقدامات تأمینی و تربیتی قائل به شمول مرور زمان شد. فقدان یک ضابطه قانونی یا علمی یا فقهی برای تفکیک میان جرائم مستوجب مجازات بازدارنده و جرائم مستوجب تعزیر شرعی سبب سردرگمی مراجع قضایی در این باره شد. دیوان عالی کشور هم که یکی از اهم وظایف آن پایان دادن به همین نابسامانی‌هاست در این باره موفق به ایجاد وحدت رویه نشده است. اداره حقوقی قوه قضائیه در نظریات مشورتی متعدد مجازات همه جرائم موضوع کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی یعنی کتاب تعزیرات و نظایر آن جرائم را از نوع بازدارنده و مشمول حکم ماده (۱۷۳) اعلام کرده است. نظر به تمایلی که قوه قضائیه در سالیان اخیر به کیفرزدایی و خصوصاً حبس‌زدایی از خود نشان داده به نظر می‌رسد که امروزه مراجع قضایی تمایل آشکاری به اعمال نظریه اخیرالذکر اداره حقوقی و به‌طور کلی بسط دایره اعمال مرور زمان در حق متهمان و محکومان دارند. این تمایل آشکار چنانکه خواهد آمد در^۱ پیش‌نویس جدید لایحه قانون مجازات اسلامی هم انعکاسی دارد.

۱. برای نمونه نگاه کنید به نظریه ۷/۸۷۵۱-۷/۱۳۷۸/۱۲/۷.

هدف طرح

آن‌گونه که در مقدمه توجیهی طرح مورد بحث آمده در موارد طولانی شدن زمان رسیدگی و انقضای مواعد مقرر در قانون از تاریخ اولین اقدام تعقیبی، متهمان به واسطه اطاله دادرسی از فرایند رسیدگی و تحمل مجازات خارج می‌شوند. طرح مورد بحث می‌خواهد از طریق اصلاح صدر ماده (۱۷۳) به این وضعیت خاتم دهد و مبدأ شروع مرور زمان را تاریخ وقوع جرم قرار دهد نه تاریخ اولین اقدام تعقیبی.

ارزیابی اهداف طرح

مرور زمان در حقوق جزا به دو نوع مرور زمان تعقیب و مرور زمان حکم تقسیم می‌شود. مبدأ آغاز مرور زمان تعقیب تاریخ وقوع جرم و مبدأ شروع مرور زمان حکم تاریخ قطعیت حکم است. نکته قابل ملاحظه‌ای که وجود دارد این است که جریان مرور زمان تعقیب با هر اقدام قضایی مراجع ذی‌ربط قطع می‌شود و در واقع مدت مرور زمان از تاریخ اقدام به‌عمل آمده از نو آغاز می‌شود و مدت‌های سپری شده پیش از اقدام مراجع صالح جزء مدت مرور زمان به حساب نمی‌آیند. ماده (۵۱) قانون مجازات عمومی در این باره مقرر می‌داشت: «جریان مرور زمان به وسیله هر اقدام تحقیقی یا تعقیبی که توسط مقام صلاحیت‌دار به‌عمل آمده باشد اگرچه هنوز مرتکب معلوم نباشد قطع می‌شود. مدت قبلی مرور زمان‌هایی که قطع شده به حساب آورده نمی‌شود». اما اجمالی که در متن ماده (۱۷۳) قانون آیین دادرسی کیفری فعلی هست و بی‌توجهی مراجع و مقامات قضایی به این نکته مهم از سویی و بطلان جریان رسیدگی از سویی دیگر، سبب‌رهایی ناموجه برخی از متهمان از تعقیب و خروج آنان از فرایند اجرای عدالت کیفری می‌شود. اگر نکته مورد اشاره مطمح نظر مراجع واقع می‌شد و هر اقدام قضایی مراجع صالح قاطع مرور زمان و مبدأ آغاز مرور زمان جدید تلقی می‌شد بیشتر متهمان مورد نظر پیشنهاددهندگان طرح همچنان قابل تعقیب و محاکمه بودند. در هر حال دغدغه طراحان و هدف مورد نظر آنان در شرایط قانونی و قضایی فعلی قابل درک و دفاع است.

راه حل و پیشنهاد

برای جمع میان مقصود پیشنهاددهندگان طرح و اصول حقوقی حاکم بر نهاد مرور زمان لازم است مقررات قانونی به‌نحوی تنظیم شوند که مرور زمان از تاریخ وقوع جرم یا آخرین - و نه اولین - اقدام تعقیبی آغاز شود یا گفته شود تاریخ شروع مرور زمان تاریخ وقوع جرم است لکن جریان مرور زمان با هر اقدام تعقیبی مقام صالح قطع و مدت‌های سابق به آن جزء مرور زمان محسوب نمی‌شود. این راه‌حل اولاً جرائمی را که از تاریخ وقوع تا انقضای مواعد قانونی مورد شکایت واقع نشده‌اند و ثانیاً اتهام متهمانی را که از تاریخ آخرین اقدام قضایی تا انقضای مواد قانونی تعقیب نشده‌اند مشمول مرور زمان معرفی می‌کند.

از سوی دیگر با عنایت به اینکه پیش‌نویس دو لایحه مهم قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری در حال حاضر تهیه و در حال طی مراحل و تشریفات تصویب است به خصوص با توجه به اینکه پیش‌نویس لایحه قانون مجازات اسلامی در مواد (۱-۱۶۴) تا (۱۱-۱۶۴) تقریباً به تفصیل به مسئله مرور زمان پرداخته و پیش‌نویس مورد اشاره در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با همکاری مسئولین ارشد قوه قضائیه در حال بررسی است، پیشنهاد می‌شود که متن طرح و پیشنهاد طراحان محترم در ضمن لایحه اخیرالذکر مورد لحاظ واقع شود.